نظیفه زغم ۲۰۲۳/۰۶/۲۶

بررسی جغرافیایی منطقهٔ چهلستون

قسمت سوم

بررسی جغرافیایی منطقه چهلستون:

«بررسی جغرافیایی منطقه چهلستون» عنوان مونوگراف نظیفه زغم است که در سال ۱۳۹۵ از دیپارتمنت جغرافیه پوهنځی علوم اجتماعی پوهنتون تعلیم و تربیه کابل فارغ شده است. در این جا بخش‌های مختلف این مونوگراف به شکل مقاله‌های جداگانه با شما شریک می‌شود.

فرهنگ، رسم و رواج، باورها:

عروسی: عروسی‌ها در گذشته رنگ و شمایلی دیگری داشته سه شب و سه روز ادامه میافتند. یک شب، شب پیش خوری بود که دوستان بسیار نزدیک به آن دعوت می‌شدند، فردای آن شب خویش خوری و شب سوم عروسی می‌بود. در شب خویش خوری معمولاً شوله پخته می‌شد و در شب عروسی پلو. فردای شب خویش خوری عروس به حمام میرفت و پس از بازگشت از حمام شوله یی که به نام شوله سر حمام نامیده میشد، صرف می‌شد. رواج خاص دیگر این بود که داماد قبل از نکاح به زیارت میر شاه رسول ولی که بر فراز کوه بالاتر از کوتل چهلستون قرار دارد، میرفت و بعد از زیارت کردن برای نکاح حاضر میشد. البته در گذشته‌ها که اقتصاد مردم خوب نبود، لباس سفید برای عروس و داماد و شال عروس را از دیگران طلبی (به عاریت) می‌گرفتند و همان یک لباس عروسی را ده‌ها زوج می‌پوشیدند.

در گذشته‌ها از غوری‌ها و دیگ‌های مسی استفاده می‌شد که اهالی هر مسجد با جمع آوری پول تعداد مورد ضرورت دیگ و غوری مسی خریداری کرده، در مسجد می‌گذاشتند و هر کسي که محفلی می‌داشت، ظروف را از مسجد خود می‌گرفت. معمولاً همرای پلو، کوفته، یک نوع سبزی و چپس کچالو پخته شده در غوری بالای برنج گذاشته می‌شد و بر سر آن یک قرص نان پرکی هموار می‌کردند اما میوه، ترکاری و نوشابه شامل غذای عروسی نبود. آشپزی کار دلاک یا سلمان قریه بود.

در گذشته که موتر نبود یا خیلی کم بود، عروس توسط دولی یا بالای اسپ به خانه داماد برده می‌شد.
شاه سلامی: صبح روز بعد از عروسی داماد با تعدادی از جوانان (معمولاً بیست نفر) از اقارب و رفقای خود به خانه خسر خود رفته، قدری میوه با خود میبرد که این رسم به نام شاه سلامی یاد می‌شد. در این مراسم، خشو برای داماد خود تخم جوشانده و روغن جوشی هدیه میداد.

تخت جمعی:

در روز سوم عروسی محفل تخت جمعی می‌بود که زنان خویش و قوم عروس و داماد به آن رفته هر یک مقداری ظرف، لباس یا پول نقد به عنوان سیالی (تحفه برای عروس) با خود می‌بردند. این رسم هنوز هم وجود دارد اما بردن ظرف کمتر و اهدای پول نقد در آن بیشتر شده است. اکنون بعضی اقارب بسیار نزدیک مانند خواهر و برادر بعضاً برای عروس انگشتر طلا هدیه می‌دهند. در محفل تخت جمعی از صبح تا چاشت ساز و آواز و رقص و پای کوبی جریان می‌داشته باشد. پس از چاشت، در حالی که شاه و عروس در کنار هم در قسمت بالا سر اتاق روی بستره یا چوکی نشسته اند؛ یکی از زنان با جرئت که صدای بلند داشته باشد، در وسط اتاق ایستاد شده و جهیز تهیه شده از طرف خانه عروس و همچنان از طرف خانواده داماد را یکی یکی بالا گرفته، به همه نشان می‌دهد و به توصیف آن می‌پردازد. سپس هر زن به نوبه خود تحفه یا پولی را که برای عروس آورده، به او می‌دهد و او تحفه یا پول را با

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکاری ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولئ

یک دست بلند گرفته، با صدای بلند مثلاً می‌گوید: «یک درجن پیاله ناشکن از طرف خاله خشوی آروس» و همه زنان حاضر در محفل با صدای بلند می‌گویند: «خانیش آباد!».
خبری: در گذشته‌ها برای خبر کردن اقارب کارت دعوت نه می نوشتند، بلکه معمولاً یکی دو نفر از دختران یا پسران جوان به خانه‌های اقارب شان رفته برایشان خبر میدادند که فلان روز عروسی است. صاحبان خانه معمولاً برای رساننده‌های خبر مبلغی پول به عنوان خبری میدادند.

موسیقی:

در گذشته در عروسی‌ها دهل و سرنی نواخته می‌شد. سپس با افزایش آواز خوانان، دسته‌های که شامل طبله و هارمونیه بودند، در عروسی‌ها به ساز و سرود می پرداختند و اکنون که آلات موسیقی غربی رواج بیشتر یافته اند، در اکثر محافل از این آلات استفاده میشود. به همین گونه در گذشته خانم‌ها با نواختن دایره به آواز خوانی و پایکوبی می‌پرداختند اما حالا جای آن را بیشتر کست، سی دی، چپ ریدر و سیستم‌های جدید صوتی گرفته است.
اکنون محافل عروسی ساکنان چهلستون بیشتر در سالون‌های عروسی و کمتر در خانه برگزار می‌شود و جای دولی را موتر گلپوش گرفته است.

طبق مهر و محبت:

طبق به معنی پتنوس کلان است که در گذشته از جنس چوب و بعد از جنس مس یا برونز بود اما در سال‌های اخیر از نکل ساخته می‌شود. معمولاً یک یا دو هفته بعد از محفل شیرینی خوری، خانواده پسر انواع غذاها را تهیه کرده، به خانهء دختر می‌برد و باور دارند که این کار سبب زیاد شدن مهر و محبت بین دو خانواده می‌شود. خانواده دختر نیز دوباره این ظرف‌ها را از غذا پر کرده به منزل پسر می‌فرستد.

نقل نام:

وقتی نوزادی تولد شد، معمولاً در روز دوم یا سوم یا بعد تر اعضای خانواده جمع شده، بزرگ خانواده نامی بر کودک گذاشته و به گوش او آذان می‌دهد. در انتخاب نام کوشش می‌شد تا قافیه مراعات شود و معمولاً نام کودکان با نام پدر و پدرکلانش هم آهنگ می‌بود. مثلاً اگر نام کسی عبدالغفار بود، نام فرزندانش را عبدالستار، عبدالجبار ... می‌ماندند یا بریالی، توریالی، ننگیالی، زمریالی نام فرزندان یک خانواده می‌بود. پس از گذاشتن نام و آذان دادن در گوش کودک، نقل همرای کشمش نخود در یک پتنوس گذاشته شده و خانم کلان فامیل آن را یک یک مشت در بشقاب‌ها ریخته، به کودکان و نوجوانان خانواده می‌داد تا به خانه‌های همسایه‌ها و قوم و خویش نزدیک ببرند. به هر خانهء که این نقل نام برده می‌شد، صاحب خانه به جای آن مقداری پول (معمولاً ده یا بیست افغانی) در بشقاب می‌گذاشتند. این رسم حالا در حال از بین رفتن است.

شب شش و ختنه سوری:

در روز ششم تولد نوزاد، خانم‌های خانه، مادر و نوزادش را غسل می‌دادند و زن‌های قوم و خویش را به غذای چاشت دعوت می‌کردند که این مراسم شب شش نامیده می‌شود. مادر زن و مادر شوهر، برای نواسهء نوزاد خود جهیز تهیه می‌کردند که شامل بستره، لباس، غنداق، باربند، تکه‌های فللین برای پیچاندن نوزاد، پودر اطفال، صابون، شامپو، سرمه و سرمه دانی و غیره می‌بود. در این محفل چند زن پخته سن از اقارب نزدیک در پهلوی مادر کلان‌های مادری و پدری نوزاد می‌نشستند. نوزاد در بغل هر یک گذاشته می‌شد و هر زن یک قیچی را به دور سر نوزاد چرخانده می‌گفت: اگه مادرت کار داشت تو تنها ماندی هوش کو نترسی، از تاریکی نه ترسی، از غوغو سگ نه ترسی ... به همین گونه هر زن چیزی در این مورد گفته بالاخره نوزاد به آغوش مادر کلانش می‌رسید و او چند تار موی کودک را قیچی کرده، به هوا پف می‌کرد. بعداً جهیزهای که از طرف مادر کلان‌های نوزاد تهیه شده بود، توسط یکی از زن‌های تیز زبان و خوش آواز که صدای بلند داشته و خوش طبع و مذاقی می‌بود، یکایک نشان داده شده و جملاتی از قبیل: «بچه دارها ببین، دختر دارها یاد بگیرین» به زبان می‌آوردند. ضمناً یگان شوخی و مذاق نیز کرده و حاضران در مجلس را می‌خنداندند. البته دایره زنی، رقص و آواز خوانی نیز جز این محفل بود. رواج شب شش تا هنوز هم تا حدی باقی مانده و مخصوصاً برای طفل اول و بیشتر برای نوزاد پسر برگزار می‌گردد.

ختنه سوری پسران:

بعد از این که پسری ختنه می‌شد و زخمش جور می‌شد، محفل ختنه سوری را برگزار می‌کردند که همسایه‌ها و قوم و خویش به آن دعوت می‌شدند. مردمان مالدار معمولاً یک گوسفند حلال می‌کردند و گوشت آن را برای مهمانان

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکاری ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولئ

می‌پختند. در این محفل، برای پسر لباس‌های نو به رنگ سفید می‌پوشاندند و چشم‌هایش را سرمه و دست‌هایش را خینه می‌کردند. اگر پسر ختنه شده بزرگتر می‌بود و از سه سال بیشتر عمر می‌داشت، برایش چپن سبز یا زری با پیزار زری می‌خریدند. بزم و آواز خوانی نیز در این محفل جا می‌داشت. محفل ختنه سوری نیز مانند سایر مراسم حالا کمتر دیده می‌شود.

بوریاکوبی:

نام محفلی بود که وقتی کسی خانه نو می‌ساخت و به آن کوچ می‌کرد، برگزار می‌شد. صاحب خانه دوستان نزدیک خود را به غذای چاشت یا شب دعوت می‌کرد. در این محفل مهمانان به رقص و خوشی می‌پرداختند و هریک به اندازه وسع و توان خود تحفه یی برای صاحب خانه می‌آوردند. این رسم حالا بسیار کم شده است، زیرا ساختن خانه‌ها بیشتر شده و تقریباً به یک امر معمول تبدیل شده است.

سیالی و شریکی:

از رواج‌های قدیمی زنان چهلستون است تا هنوز هم کم کم ادامه دارد. هنگامی که فردی از اقارب، خویشاوندان یا همسایه‌گان کسی بیمار شود، به سفر برود، از سفر بیاید، فوت شود، اولادی به دنیا بیارد، پسری ختنه شود، جوانی نامزد شود یا از مکتب یا پوهنتون فارغ شود ... زنان به خانه شخص رفته مبلغی از پول که برای سیالی دادن رایج است، با خود میبرند. در گذشته‌ها به جای پول نقد، محصولات زراعت و مالداری برده می‌شد، مثلاً تخم مرغ، ماست، مسکه، شیر و غیره. در صورتی که کسی از سفر بیاید، معمولاً چند تا نان به خانه اش می‌برند یا می‌فرستند تا به خاطر شکر عزیمت به خیر مسافر خیرات کنند. حال که سفر عام شده است و رفت و آمد به ولایات کشور و کشورهای همسایه به خصوص پاکستان به یک امر معمول تبدیل شده است، کمتر دیده می‌شود که کسی این رسم را به جا کند.
مراسم عزا داری: این مراسم نسبت به گذشته چندان تفاوت نکرده است. اکثراً وقتی کسی فوت می‌شود، اقارب نزدیک و همسایه‌هایش به منزلش رفته، سه شب و سه روز در آن جا باقی می‌مانند. مرده‌دار مجبور است در این سه شبانه روز به این مهمانان غذا و چای بدهد. معمولاً برای مردانی که بعد از دفن جنازه از حضیره برمی‌گردند، غذای چاشت آماده می‌شود که به آن بدرغه می‌گویند. دوستان نزدیک متوفا، در روزهای دوم و سوم غذاهای مختلف به خصوص هوسانه (بولانی، آشک، منتو، مرغ بریان ...) تهیه کرده به خانه مرده‌دار می‌برند. به همین گونه بعد از فوت یک شخص، فامیلش هر جمعه یا پنجشنبه ختم قرآن کرده، تعدادی زیادی مردم را به غذای چاشت دعوت می‌کنند که به آن «شب جمعه‌گی» می‌گویند. این سلسله با پوره شدن چهل روز به سر می‌رسد و در روز چهلم تعداد بیشتری برای ختم قرآن و غذا دعوت می‌شوند. در روز جنازه، مقداری حلوا پخته شده در بین نان پرکی گذاشته شده به حضیره فرستاده می‌شود و برای مردم توزیع می‌شود. این حلوا به نام «حلوای پیش کفاره» یاد می‌شود. اکنون بعضی مردم به جای حلوا، خرما می‌فرستند.

قصه خوانی و قصه گویی:

در گذشته‌ها که زمستان‌ها خیلی سرد بودند و برف باری آن قدر زیاد که کوچه‌های تنگ تا بام خانه‌ها پر از برف می‌شد؛ از سر بام به کوچه راه زینه برفی ساخته می‌شد و دروازه‌های حویلی‌ها مسدود می‌گردید. اکثر مردم در تیرماه گوسفندی را لاندی کرده، گوشت آن را قاق می‌کردند. به همین گونه روغن زرد و روغن دنبه در دیگ‌ها و برنج و گندم در کندوها ذخیره می‌شد. در چنین شب‌های طولانی زمستان معمولاً همسایه‌ها به خانه کسی که خواننده بود، جمع شده به دور صندلی نشسته چای و توت و چارمغز صرف می‌کردند و شخص خواننده، کتاب‌های مختلف ادبیات کلاسیک دری مانند شهنامه فردوسی، بوستان و گلستان سعدی، پنج کتاب، دیوان خواجه حافظ، داستان لیلی مجنون نظامی گنجوی و سایر کتاب‌ها را به آواز بلند قرائت می‌کرد و دیگران به دقت به آن گوش می‌دادند. به همین گونه بعضی قصه گویان، داستان‌ها و حکایت‌های فولکلوریک را نقل می‌کردند و همه به آن‌ها گوش می‌دادند. بعضاً طوری می‌شد که قصه گو، گفته می‌رفت و شنونده‌ها را خواب می‌برد. یک وقت متوجه می‌شد که همه خواب هستند و برای دیوارها قصه می‌گوید. برای جلوگیری از این کار، قصه گو از شنونده‌ها می‌خواست تا بعد از هر چند جمله «خو، خو» بگویند تا او مطمین شود که همه بیدار اند. اما حالا رواج لاندی کردن گوسفند و کتاب خوانی و قصه گفتن فراموش شده است و جای آن را تماشای سریال‌های تلویزیونی گرفته است.

باقی دارد

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکاری ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولئ